

### متن پرسش

سلام علیکم و رحمه الله: یکی از دوستان خوب من، که از بچه های فعال حزب اللهی بود، بعد از اغتشاشات و مسائل اینچنینی، به کلی از اسلام و انقلاب بریده. می گوید که دیگر حرف از آسمان ها و ایمان قانع اش نمیکند. و جمهوری اسلامی و رهبری رو یک نظام و رهبر مستبد، دیکتاتور و فشل میدونه چونکه اولیات زندگی مردم رو نتونسته تامین کنه، امنیت روانی رو به خطر انداخته، عدالت رو نتونسته برپا کنه، با کل دنیا تنش درست کرده و منزوی است و از این جهت کشورهایی مثل امارات و آلمان و سوئد را برای فراهم کردن همه اینها من جمله عدالت اقتصادی و اجتماعی که واقعا هم در نروژ و دانمارک وجود دارد، تمجید میکنه ولی از این طرف نظام رو مستحق ذم و تحقیر میبینه. از عدالت در کشورهای شمال اروپایی و نه آمریکا که حرف زد، نتونستم پاسخ بدم که چطور اونها میتونن عدالت برقرار کنن ولی ما نه، و به کلی رشته سخن از دستم رفت. با یک چنین فردی چطور می توان صحبت کرد، و چطور میشه قانعش کرد؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: این بنده های خدا نه از واقعیات جهان و انسان جدید خبر دارند و نه از واقعیات کشور ایران. و دلسوزی ما از این افراد به عنوان فرزندان خود از آن جهت است که ضربه های سختی به روح و روان و زندگی خودشان وارد می شود. شاید مطالعه کتاب «مدرنیته و توهم» که روی سایت هست، افقی در رابطه با تفکر در مقابل این عزیزان بگشاید. موفق باشید